

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش

۱۲ اپریل ۲۰۲۰

## نقدی بر مقاله سپهر سمیعی

مذهب چیست و آیا انسان و جامعه بدون مذهب امکان پذیر است؟

انسان اولیه با وحشت از تمام ناشناخته ها، برای نجات خود از مصائب طبیعی، که نه قادر به درک آنان بود و نه قادر به حفظ خود از خطر آنان، به عنوان یک واکنش اولیه و طبیعی به همزاد گرائی روی آورد. و سوالات بی پاسخ خود را تحت "خواست خدا" تا روزی که جوابی برای هر کدام پیدا کند مسکوت گذارد. اگر چه غریزه کنجکاوی از غرایز ثانوی است ولی انسانی که جواب سوال ها را نمی دانست با نسبت دادن تمام نادانسته ها به خدا و خواستش، خود را آرام می کرد. این آغاز اعتقاد به خدا، به خواست خدا و غضب خدا بود.

امروز نیز می بینیم، که پاپ فرانسیسکوس، کرونا را تنبیه انسان توسط خدا معرفی می کند و آخوند های شیاد ایرانی، تربت کربلا را برای شفای بیماران کرونا تجویز می کنند.

در مقابل، پزشکان و دانشمندان سعی در مداوا و یافتن داروی شفا بخش، گاهی خود نیز مبتلا به ویروس شده و جان می سپارند. ولی نهایتاً، این تلاش و پی گیری انسان است که، به ایجاد واکسین و داروی اثر بخش خواهدانجامید و همواره چنین بوده است.

انسان بی طبقه غار نشین، که فاقد هر گونه شناخت از پدیده های طبیعی و شیوه مبارزه با آنان بود، خالق همزاد گرائی شد. با ایجاد تصاویری از دشمن به عنوان همزاد آن بر دیوار غار ها، و مورد حمله قرار دادن آن ها در تصاویر و رقص و آواز جادویی معتقد به کسب توانائی برای از بین بردن خود دشمن بود. انواع هنرها توأم با جادوگری و شفا بخشی، از دست آوردهای جامعه بی طبقه غار نشینی تا پایان مادر سالاری با کشف کشاورزی بود. که هنوز در بعضی از قبایل جهان رایج است.

دردوران پدر سالاری، در جوامع رفته رفته طبقات شکل گرفتند. ادیان و مذاهب بخشی از مدنیت بسیار طولانی دوران پدر سالاری هستند. پیامبران که همگی مرد بودند، خود را رابط بین خدا و مردم معرفی می کردند. و ادیان آنان فقط با حمایت زحمتکشان شکل می گرفت. چون زحمتکشان در پی راه نجاتی از بیداد ستمگران بودند. ولی به مجرد شکل گرفتن ادیان، ستمگران به سرعت آن را مصادره می کردند. و ادیان و مذاهب را جزو اهرم های حکومتی خود شان و سرکوب تهیدستان می کردند. درست مثل جمهوری اسلامی ایران. آنان منافع خود را به عنوان فرمان خدا به مردم تحمیل می کردند. درست مثل رژیم ملایان در ایران.

پس باید به عنوان یک قانون تغییر ناپذیر همواره به یاد داشت که ادیان و مذاهب کلاً، بال نجات ستمگران هستند و نه ستمدیدگان. و از هر تعبیر و تفسیرگمراه کننده به شدت پرهیز کرد. ایجاد هر دین و مذهب نوینی، ایجاد بازار شیادی جدیدی علیه توده های ستمدیده است. به جای آن باید به فکر راه های اساسی آگاه کردن زحمتکشان بود. آموزش اصول مدنیت، تربیت و آداب اجتماعی در جوامع تحت عنوان مذهب؛ باز نگه داشتن دکان شیادی است. به جای دروغ و شیادی؛ باید با هدف انسان پروری، اصول انسان شدن را ز گهواره تا گور، به کار بست و آموزش داد که اولین اصل آن جنگ با خود خواهی است.

در زمان کودکی جوامع انسانی، ایجاد دین تنها راه شناخته شده برای ایجاد تحولات اجتماعی بوده است. ولی به سرعت توسط ستمگران مصادره شده و طی قرون، اهرم فریب و چاپیدن انسان های زحمتکش می شدند و هر ظلمی به نام فرمان خدا در جوامع جا اندازی می شد. حالا هم سید علی خامنه ای همین کار را می کند. لذا ایجاد و ترویج هر مذهبی پشت نقاب مارکسیسم، دقیقاً ضد مارکسیسم است. بعد از ۴۱ سال باید دیگر این مسأله برای همه روشن شده باشد. صهیونیست ها از اهرم مذهب، بخوبی برای سرباز گیری مجانی در رشته های مختلف بهره برداری می کنند. هر روز شاخه ای جدید به اسلام و یا مسیحیت می زنند. ولی جهودیت همواره یک شاخه بیشتر نبوده و نیست. سرمایه داری بشدت نیازمند دین و مذهب برای فریب توده های زحمتکش است. ولی سوسیالیسم نه. سپهر سمیعی در مقاله مذهب چیست و... با دیدگاهی لیبرالیستی به سراغ مذهب رفته است. و جوامع طبقاتی را بدون در نظر گرفتن طبقات، در هم ارزیابی کرده است. و بالاخره به نتیجه گیری لزوم مذهب در جوامع برای ایجاد همگرایی، به برداشتن گامی به نفع شیادان انگل و ستمگران نائل آمده است.

باید به صراحت گفته شود که کلیه نهاد های آموزشی قادر به گنجاندن مباحثی برای ساختن شخصیت انسانی توانمند و مفید برای اجتماع هستند. مطلقاً نیازی به کلاشان انگل برای ترویج دروغ و شیادی نیست.

خشم تاریخی شریعتی ها (گردانندگان مذاهب) که همگی در خدمت ستمگران بودند بر طریقتی ها (عارفان- صوفیان) به دلیل بی واسطه خواستن خدا بود. رابعه عدویه اولین زن صوفی و شاعر عرب قرن دوم قمری، حسین بن منصور حلاج، صوفی، شاعر و عارف ایرانی قرن سوم هجری که می گفت ان الحق (من خدا هستم) در ۳۰۹ هجری، در ملاء عام، شکنجه و به دار آویخته شد. و سپس دست و پا و سرش را بریدند و سپس او را سوزاندند و خاکسترش را به رود دجله ریختند.

حافظ در قرن ۸ هجری قمری برای او چنین سرود:

**آن یار کزو گشت سر دار بلند عیبش آن بود که اسرار هویدا می کرد**

حال در قرن بیست و یکم جای بسی تعجب است که هنوز کسانی برای نجات جامعه و همگرایی، لزوم مذاهب را ضروری می دانند!

ما در کجای زمانیم و در کجای مکان

آیا ما زنده ایم و آنان مرده...

و یا آنان زنده اند و ما ... مرده

نهال عشق در خلوص می روید

و طلوع آفتاب از راستی

ویانا ۲۰۲۰/۰۴/۱۰

womens-power.farah-notash.com

[www.farah-notash.com](http://www.farah-notash.com)

Women's Power